

# داستان محمدجواد پایتخت

محمد حسام نجف‌زاده طلبه دهه هشتادی فعالی است که حضور کوتاهش در سریال «پایتخت» واکنش‌های مثبت فراوانی داشت. او که مشغول کار فرهنگی است از ماجرای حضورش در این سریال و ضرورت حفظ ارتباط نسل‌های جدید با روحانیت می‌گوید

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۴

۲۴ شوال ۱۴۴۶ ۲۳ آوریل ۲۰۲۵

شماره ۲۱۷۵۱

۲۹۷۰



## امام جماعت فرمانده محله است

گفت‌وگویی‌مان به این‌جامی‌کشد که چطور می‌توان این ارتباط مؤثر با نسل‌های جدیدتر را در ابعاد بیشتری رقم زد تا فاصله نسل‌های جدید و روحانیت کمتر شود. نجف‌زاده معتقد است: «بخشی از این موضوع به همت آن‌امام‌جماعت‌یا آن‌مربی‌یا شخصی‌که در جایگاه طلبگی فعالیت می‌کند بستگی دارد. همت آن شخص مهم است، یعنی از یک سو امام جماعتی داریم که در مسجد مشغول است اما هیچ نوجوانی در مسجد حضور ندارد و از سوی دیگر امام جماعتی داریم که مسجد پر از نوجوان و جوان است و کارهای فرهنگی و مراسم مذهبی مسجد را نوجوانان به عهده گرفته‌اند. همت را می‌طلبید، چه هیئت امنای مسجد مخالف باشند و چه موافق. اصل امام جماعت است یعنی فرمانده مسجد، امام جماعت علاوه بر مسجد، فرمانده محله است. این امام جماعت باید بتواند مدیریت کند، خیلی مهم است. مثلاً مساجدی که امام جماعت ساکن همان محله است، به دلیل ارتباطش با مردم شرایط متفاوتی دارد. همین که امام جماعت به نماز بسنده نکند، باید با کودکان و نوجوانان دم‌خور بود، باید با آن‌ها نشست و وقت گذاشت. این ارتباط باید شکل بگیرد. گاهی اوقات بهیچ‌برگزارشود، حلقه‌هایی تشکیل شود. وقتی حس دوستی بین امام جماعت، مربی یا طلبه‌ای که در آن حوزه فعالیت می‌کند، ایجاد شود این ارتباط هم ادامه پیدا خواهد کرد.»



## نیاز به طلبه‌های جوان داریم

نکته مهم دیگری که در بین دغدغه‌های این روحانی دهه هشتادی وجود دارد این است که برای جذب جوانان و نوجوانان نیاز به روحانیونی در بازه سنی نزدیک به نسل‌های جدید داریم: «خوابسته من از خانواده‌ها این است که اگر فرزندان حتی یک درصد علاقه‌مند به طلبه شدن دارد به او کمک کنند. کشور به شغل‌ها و تخصص‌های مختلفی نیاز دارد، یکی از این تخصص‌ها، تخصص علوم دینی است؛ این که افراد متخصص دینی باشند تا مردم برای رفع شبهات و سؤالات دینی خود به آن‌ها مراجعه کنند. لازم نیست یک نفر از خانواده طلبه باشد که خروجی کارش طلبه شدن شود؛ همان‌طور که در سریال هم دیدیم، شخصیت کارگر خانواده تبدیل به طلبه شد. پدر خود بنده هم شغل آزاد داشتند و هیچ‌یک از اقوام و نزدیکان ما طلبه نبودند و بنده اولین طلبه خانواده شدم. می‌خواهم بگویم این مسیر می‌تواند از هر جایی آغاز شود و جامعه اکنون واقعاً به روحانیت و طلبه مفید نیاز دارد. اگر جذب حوزه علمیه کاهش پیدا کند، سن طلاب بالاتر می‌رود و ارتباط آن‌ها با نسل جوان و نوجوان کمتر می‌شود. برای من طلبه، وقتی شاگردم در مسجد تنها چند سال با من اختلاف سنی دارد، خیلی راحت تر با او ارتباط برقرار می‌کنم تا امام جماعتی که ۴۰-۵۰ یا ۶۰ سال از او بزرگ‌تر است. این خیلی خوب، مفید و تأثیرگذار است.»

## خانواده‌ها ز ندگی طلاب را از نزدیک

### ببینند

دوست دارم بدانم از نظر ایشان موانع این ارتباط چیست؟ می‌گوید: «این برمی‌گردد به دیوارهایی که باعث ایجاد فاصله بین طلاب و مردم شده که مهم‌ترین عاملش شبکه‌های معاند و غرب‌گراست که روحانیت و طلاب را به گونه‌ای متفاوت به مردم نشان می‌دهند و متأسفانه نبود سواد رسانه‌ای و نرفتن سراغ منابع معتبر باعث می‌شود که این اخبار، مطالب یا کلیپ‌های فضای مجازی فاصله را عمیق‌تر کند. از طرفی خانواده‌ها باید کمی همت کنند و از زندگی روحانیون شوند، خودشان مستقیماً زندگی طلاب را ببینند و تجربه کنند، بعد به فرزندان‌شان بگویند که آیا می‌توانند ارتباط برقرار کنند یا نه و اجازه دهند اگر فرزندان تمایل دارد در مسجدها مجموعه‌های فرهنگی، پایگاه بسیج فعالیت کنند، این فرصت را داشته باشد. این موانع باید ابتدا رفع شود. از طرفی برخی طلاب هم در این موضوع می‌توانند مؤثر باشند، چه به صورت مثبت و چه منفی. طلبه‌ای هست که همین لباس، موجب غرور و تکبر کاذب او شده و این خود فاصله ایجاد می‌کند.»



## قرار بود خود واقعی‌ام باشم

دوست دارم بدانم چه شد ایشان نقش را قبول کرد؟ «پس از مطالعه فیلم‌نامه متوجه شدم قرار نیست نقش خاصی یا طنزآمیز ایفا کنم، بلکه خود واقعی‌ام باشم. خلاصه قرار نبود کم‌دین یا شخصیتی خارج از خودم را اجرا کنم که از منظر تجربه می‌توانست جالب باشد؛ قبول کردم و پس از گذشت چند روز، به من اطلاع دادند که

## باز خوردها خیلی دلگرم‌کننده بود

صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، خدا را شکر بسیار رضایت بخش بود. برای نمونه، برخی افراد پیام دادند که پیش‌تر تصمیم داشتند طلبه شوند اما خانواده موافق نبود یا خودشان انگیزه‌ای نداشتند و تصور عمومی این بود که طلبه‌ها سخت‌گیر و خشک هستند. پس از پخش این سکانس، علاقه خودشان و خانواده‌شان بیشتر شده و هنوز با بنده ارتباط دارند. نمونه دیگری هم وجود داشت؛ شخصی طی پیامی عنوان کرد که ۱۲ سال از دین فاصله گرفته بود و حتی تا مرز نابودی رفته بود، اما بعد از تماشای این نقش و حضور روحانیت در رسانه، دلگرم شده و بازگشته است. پیام‌تشکر او برای من بسیار خرسندکننده بود و بازگشتش به سمت ارزش‌ها برایم جالب و دلنشین بود. طلاب متعددی از سراسر کشور پیام دادند که تأثیر این نقش معادل چند منبر و تبلیغ بوده و در چند دقیقه، تأثیرگذاری چشمگیر داشته است. این قدردانی و حسن توجه آن‌ها برایم ارزشمند بود و شکر گزارم.»



## پشت صحنه ممیمانه بود

شاید جالب باشد بدانیم پشت صحنه سریال محبوب پایتخت از نگاه این روحانی عزیز چطور بوده: «پشت صحنه برای بهتر شدن نقش، چندین مرتبه تمرین انجام شد. یکی از افرادی که بسیار پرانرژی و فعال بودند، مصطفی تنابنده، برادر بازیگر اصلی بود که در ایفای نقش من هم نقش مؤثری داشت. روابط پشت صحنه با دیگر بازیگران خوب بود. چندین بار با هم همسفره شدیم، گفت‌وگو و خنده داشتیم و رفتارها محترمانه و صمیمی بود. برخلاف تصور خیلی‌ها گروه بسیار خاکی و دوست‌داشتنی بودند.»

## نماز جماعت مدرسه‌ها پررنگ‌تر شد

قبل از انجام مصاحبه به اتفاق همکاران آنلاین روزنامه به مدرسه‌ای که آقای نجف‌زاده در آن امام جماعت است رفتیم که گزارش تصویری آن را می‌توانید در کانال «خراسان آنلاین» ببینید؛ چیزی که در آن جا ملموس بود علاقه وافر دانش‌آموزان در نمازخانه و حیاط مدرسه به امام جماعت مدرسه‌شان بود؛ طوری که ایشان چند دقیقه‌ای با حوصله با بچه‌ها عکس گرفت و امضا داد.



آقای نجف‌زاده در این باره می‌گوید: «هم در یک دبستان و هم در دبیرستان، امام جماعت هستم و باز خودم بهیچ‌نقش ندارم. روز بعد از پخش سریال، دانش‌آموزان ایستاده بودند سؤالاتی پرسیده می‌شد و حتی بعضی از آن‌ها با گوشی تطبیق تصاویر می‌دادند تا مطمئن شوند من در سریال حضور داشتم. بعد از اطمینان حاصل کردن، علاقه و پیگیری‌ها افزایش یافت و نماز جماعت هم پررونق‌تر شد. پیش از این عمدتاً مربیان و معلمان حضور داشتند، اما خوشبختانه حالا دانش‌آموزان



سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار

پرونده

«پایتخت»، امسال بازگشت جذاب و پر مخاطبی به تلویزیون داشت و از افت نسبی فصل‌های قبل خبری نبود؛ به‌ویژه برای ما مشهودی‌ها، چرا که قسمت‌های پایانی سریال در شهر ما فیلم‌برداری شد. در این میان، چند سکانس کوتاه از سریال بسیار محبوب شد؛ یعنی همان سکانسی که معلوم شد پسر «اوس موسی» یعنی «محمد جواد» طلبه است و این موضوع واکنش‌های بامزه و جالب شخصیت‌ارسطورا به دنبال داشت. برخلاف انتظار، با این‌که ایفای این نقش کوتاه برعهده یک ناباز یگر بود، اما لهجه شیرین مشهودی، تواضع و سر به‌زبری‌اش در ایفای نقش باعث شد با وجود مدت‌زمان کوتاه حضورش، بسیار مورد توجه قرار گرفت. گویی برای مخاطبان تلویزیون، به‌ویژه مشهودی‌ها، یک نوستالژی جدی با حضور این شخصیت و باز یگرش زنده شد؛ خاطره‌ای از طلبه‌های جوانی که همه آن‌ها را می‌شناسیم، مهربان، دوست‌داشتنی و بی‌هیا هو. جالب است بدانید محمد حسام نجف‌زاده باز یگر این نقش دقیقاً شبیه همان چیزی است که در سریال از او دیدیم. یک طلبه دهه هشتادی سر به‌زیر و دوست‌داشتنی که در چند مدرسه امام جماعت است و علاوه بر این در حاشیه شهر به‌عنوان امام جماعت یک مسجد مشغول کار فرهنگی است. به‌بهانه استقبال خوب مخاطب از شخصیتی که ایشان در سریال بازی کرده، در روزنامه مهمانش بودیم تا از چگونگی حضورش در سریال بگوییم، این‌که چرا نقش این‌قدر گرفت؟ واکنش‌ها چه بود و چرا این اتفاق جالب‌توانست فاصله احتمالی بین برخی از مردم و به‌خصوص جوانان را با روحانیون کم کند. در حاشیه این گفت‌وگو آقای نجف‌زاده از دغدغه‌هایش برای حاشیه شهر گفت، از مشکلات زندگی مردم آن مناطق، ضرورت کار فرهنگی جدی‌تر و تلاش‌هایی که در این زمینه دارد. قول و قرار گذاشتیم که روزی بیشتر به این نکات بپردازیم. اما گفت‌وگوی ما با محمد جواد پایتخت.

## دهه هشتادی هستیم

محمد حسام نجف‌زاده متولد گناباد است و بزرگ شده مشهد، در باره خودش می‌گوید: «متولد ۱۳۸۱ هستم؛ به اصطلاح «هشتادی» محسوب می‌شوم و متعلق به نسل زد، از همان سال‌های ابتدایی تحصیل، در نمازخانه مدرسه فعالیت‌های فرهنگی انجام می‌دادم و مؤذنی را هم برعهده داشتم. این روند ادامه پیدا کرد تا این که در بسیج مدرسه هم مسئولیت‌هایی را قبول کردم. الان در توس ۳۳، روستای کشف ساکن هستیم. همان‌حوالی، مسجدی در اوایل سال ۱۳۹۶ یا اواخر ۱۳۹۵ تأسیس شد. با توجه به تجربه‌ای که در مکبری و فعالیت‌های فرهنگی مدرسه داشتم، وارد این مسجد شدم؛ ابتدا به عنوان مؤذن. مدتی بعد، امام جماعت مسجد، مسئولیت جذب نوجوانان و کودکان و ثبت نام آنان را در مجموعه مسجد و پایگاه بسیج به بنده واگذار کردند. این مسئولیت‌ها به تدریج بیشتر و سنگین‌تر و هم‌زمان با افزایش سن، علاقه‌مندی من به کار فرهنگی بیشتر شد. خلاصه من علاقه به فعالیت تبلیغی و ارتباط چهره به چهره با کودکان و نوجوانان شکل گرفت. البته بنده هنوز طلبه نبودم و در آن زمان در رشته انسانی مشغول تحصیل بودم. این فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در مسجد باعث شد که کم‌کم از دبیرستان فاصله بگیرم و به سمت حوزه علمیه جذب شوم؛ چرا که در رشته انسانی دبیرستان به هدف مورد علاقه خود، یعنی فعالیت فرهنگی و تبلیغی نرسیدم. از ابتدای سال ۱۳۹۸ وارد حوزه علمیه خراسان شدم و...»

## راز باورپذیری نقش

یکی از نکاتی که در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها بسیار پررنگ بود، نحوه باورپذیری ایفای نقش طلبه در سریال «پایتخت» بود. این روحانی جوان در خصوص این که چطور نقش این‌قدر نزدیک به ذهنیت مردم بود می‌گوید: «اگر قرار بود فرد دیگری، یک بازیگر یا غیر طلبه، این نقش را ایفا کند، صرفاً به ظاهر سازی طلبگی اکتفا می‌شد و این امر برخاسته از ذات و سرشت واقعی او نبود. به همین دلیل عوامل پروژه پایتخت تصمیم گرفتند شخصی طلبه این نقش را ایفا کند تا باورپذیری بیشتری برای مخاطب ایجاد شود. من هم تلاش کردم همین‌گونه باشم و خودم را بازی کنم؛ تمامی رفتارها، خنده‌ها، خجالت‌زدگی و سر به‌زیری‌ها کاملاً طبیعی بود و هیچ چیز ساختگی وجود نداشت». اما می‌رسیم به این موضوع که چه شد این نقش به ایشان رسید که می‌گوید: «در مورد نحوه ورود به پروژه پایتخت باید بگویم ابتدا قرار بود فرد دیگری نقش محمد جواد را بازی کند؛ یعنی یک بازیگر غیر طلبه با لباس و ظاهر طلبگی. حتی زمانی که به صحنه فیلم‌برداری رسیدم، بازیگری که قرار بود این نقش را ایفا کند، حضور داشت. به بنده اعلام شد که برای ایفای نقش، از میان گزینه‌ها انتخاب شدم و با واسطه با من تماس گرفتند. عنوان شد شخصی با همین سن و شرایط مورد نیاز فیلم‌نامه برای نقش محمد جواد لازم است. در ابتدا تست غیر حضوری برگزار شد؛ چند ویدیوی کوتاه از خودم در فضای مجازی ارسال کردم که پس از تأیید، قرار مصاحبه و تست حضوری گذاشته شد.»

